

خرابات

از روی حقیقتی، نه از روی مجاز



جواد طوسی

● شروع برگزاری دهمین جشنواره «سینما- حقیقت» در پردیس چارسو، فرصت و بهانه خوبی برای ارزیابی گذشته و حال سینمای مستند در ایران است. هرچند این نوع سینما در دوره‌های مختلف تاریخی– اجتماعی آن‌گونه که باید، نقشی متحول و جریان‌ساز نداشته است، ولی همواره جرقه‌ها و نام‌هایی چون ابراهیم گلستان، محمدرضا اصلانی، فروغ فرخزاد، پرویز کیمیای، منوچهر عسکری‌نسب، خسرو سینیای، ناصر تقوایی، کامران شیردل، مرتضی آوینی، رخشان بنی‌اعتماد، ارد عطاپور، محسن استادعلی و … باعث خلق آثار شاخص و درخوراعتبایی در این حوزه شده‌اند. باید پذیرفت که حیات طبیعی آثاری از این دست که در یک مخاطب‌شناسی گسترده و قاعده‌مند قرار نمی‌گیرند، تابع شرایط پربورق فرهنگی آن جامعه است.
باین‌وصف، در جوامعی مثل ما که فرهنگ در مواجهه با حضور سیطره‌آمیز سینمای تجاری (از نوع مبتذلش) در وضعیت آسیب‌پذیر قرار دارد، جایگاه سردرگم و متزلزل «سینمای مستند» بیشتر احساس می‌شود. تنوع در این نوع سینما در زمینه‌های گزارشی و پژوهشی، قوم‌نگارانه، پرتره، اجتماعی، سیاسی و… مستلزم بنیه مالی بخش خصوصی و دولتی است تا با فراغ بال و بدون محافظه‌کاری و تگ‌نظری و جناح‌بندی‌های دوست و دشمن، موجبات ساخت و تولید مداوم این‌گونه آثار (هم‌خوان با موضوعات و سوره‌های مطرح و قابل بحث روز) فراهم شود، اما در واقعیت امر می‌بینیم که عملا بخش خصوصی در این حوزه (به‌جز تولید محدود مستندهای تبلیغاتی) فعالیت شایان‌توجهی ندارد. بخش دولتی نیز سلايق و دسته‌بندی و خطرقرمزهای خاص خودش را دارد. هرچقدر بخوای واقع‌پنانه و مصنفانه سیاست‌ها و عملکرد و خطمشی این مراکز را مورد بررسی همه‌جانبه قرار دهی، باز برخورد‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی را می‌بینی که به سوءتفاهمات دامن می‌زند و تو مجبوری ناخواسته عینک بدبینی به چشم بزنی. طبیعتا وقتی موجودیت و تشخیص سینمای مستند در شرایط کوئونی در «مرکز گسترش سینمای تجری» خلاصه شده است، هرچقدر هم مدیران و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این حوزه استحقاقی بخواهند از خود سعه‌صدر نشان دهند، باز به طور اجتناب‌ناپذیر، سلبقای عمل می‌کنند و ساز خودشان را می‌زنند و حتی- بعضا- برخورد‌هایی ظکرات‌شی‌شده دارند. جالب آنکه در مناسبات و مذاکرات حضوری با افرادی بسیار فرهنگی و خوش‌برخورد سروکار داری، ولی وقتی در به رویت بسته شد و آنجا را ترک و مسیر بعدی را دنبال کردی، می‌بینی که ققدر برخورد‌ها شخصی و یک‌سویه و نامتعطف می‌شود. انگار با آدم‌هایی طرفی که چشم دیدن را ندارند و نهائیا می‌خواهند اسب خودشان را برانند و اعمال قدرت کنند. این نگاه و سمت‌وسو خوده‌خود به جشنواره «سینما- حقیقت» و شیوه برنامه‌ریزی و گزینش و چینش داوران و هیات انتخاب آن، سیاست‌های کلان درباره فیلم مستند در طول سال و نحوه نمایش مستمر و پوشش رسانه‌ای آن تسری پیدا می‌کند. تصور می‌کنم برای آنکه سینمای مستند از این حالت انجم‌ساز و مهیجرمانده و بدون برنامه مدون در امر تولید بیرون بیاید، باید اراده و خرد جمعی زمینه‌ساز تعریف متکثرتر و جسورانه‌تر از چین سینمای تأثیرگذار و ریشه‌داری شود و براساس آن مطالبات خود را بنا کند و برای شکل‌یابی آن، بسترسازی مناسب و کارآمد داشته باشد.

جارچی

چهارمین سال اقبال «بانیلوفر تا مهتاب»

● شرق: نخستین آلبوم صوتی ریلکسیشن ایرانی با عنوان «بـا نیلوفر تا مهتاب»، به قلم و اجرای مهرداد محمدپور، آهنگ‌سازی و تنظیم ایمان حجت و براساس پژوهشی از حسن قاسمعلی‌پور، برای چهارمین سال متوالی، در پیشخوان فروش محصولات فرهنگی– هنری سراسر کشور قرار گرفت. اثر یادشده با موضوع «تن‌آرامی» مجموعه‌ای است از دو بخش که با هدف ایجاد فضای ذهنی امن و آرام در شنونده، برای انجام تکنیک‌های تن‌آرامی، منطق با اصول علمی و روان‌شناسی تولید شده. شنیدن مستمر آن، علاوه بر کاهش هیجانات درونی و ایجاد تعادل در ریتم بدن، موجب افزایش میزان توجه و تمرکز نیز می‌شود. بخش علمی– پژوهشی با عنوان واکنش تن‌آرامی که به صورت کتابچه‌ای نفیس به چاپ رسیده، شامل گفتاری است خبری– تحلیلی درخصوص تن‌آرامی و مراقبه، بیان مزیت‌های این دو و نیز ارائه تکنیک‌های تن‌آرامی از جمله: خاموشی ذهن، تنفس عمیق، تجسم فعال و ش‌ل‌کردن تدریجی عضلات. بخش ادبی– هنری با عنوان با نیلوفر تا مهتاب که به صورت لوح فشرده صوتی، در قالب موسیقی گفتار تولید شده، شامل یک مقدمه با عنوان حریر رویا، چهار بخش اصلی با عناوین صدای سکوت، سبز در سبز، باران شادی، با‌های ماه مهر و نیز یک قطعه موسیقی بی‌کلام با عنوان «با نیلوفر تا مهتاب»، بیان شاعرانه‌ای است از تکنیک‌های تن‌آرامی یادشده.

بهناز شیرپانی: بلیت‌های شلد اوت‌شده، نمایش‌های کله سحر، قرار‌های نیمه‌شب، افتتاحیه‌های پرزرق‌وبرق ۳۰۰ هزارتومانی، بندآمدن خیابان‌ها، همه‌وهمه اتفاق‌هایی است که هرازچندگاه برای فیلم‌هایی خاص می‌افتد، فیلم‌هایی که شاید میزان موفقیت آنها پیش از اکران خیلی قابل‌حدس نباشد، اما این روندی است که تعریفی جدید از مخاطبان سینمای ایران ارائه کرده. ابتدای همین امسال بود که میزان استقبال از فیلم‌های «ابد و یک روز»، «من سالوادور نیستم» و «پنجاه کیلو آلبالو» بسیاری از اهالی سینما و سینماداران را غافلگیر کرد، هرچند که غیر از «ابد و یک روز»، استقبال از دو فیلم دیگر به‌واسطه دارا‌بودن درون‌مایه طنز و اقبالی که معمولا طیفی از مخاطبان به فیلم‌های گیشه‌پسند یا بدنه نشان می‌دهند تا حدی قابل‌پیش‌بینی بود، اما فروش بالای «ابد و یک روز» معادلات را برهم زد، از آن‌رو که فیلمی تلخ توانست به فروش بالای دست پیدا کند. اکران تازه‌ترین فیلم اصغر فرهادی اتفاق تازه‌ای در اکران‌های سال جاری بود؛ فیلمی که تا پیش از اکران، از بسیاری از جشنواره‌های معتبر دنیا عنوان بهترین فیلم، کارگردانی و بازی را به خود اختصاص داد. دلیل امر ساده است: نام فرهادی برای مخاطبان ایرانی و دیدن فیلم تازه‌اش همیشه کنجکاوی برانگیز است. بنابراین هنوز هم عنوان پر فروش‌ترین فیلم سال متعلق به «فروشنده» است، اما چندروزی است که از احتمال رکوردشکنی «سلام بمبئی» صحبت می‌شود؛ فیلمی که با مختصات سینمای هند ساخته شده و آن را در گونه فیلم‌های تجاری و سرگرمی می‌توان تعریف کرد و درحالی‌که تنها چند روز از اکران عمومی‌اش می‌گذرد، حواشی بسیاری به‌دنبال داشته و ظاهرا در این مدت، مخاطبان بسیاری را به سالن‌های سینما کشانده است.

تب تند یا…؟

امیرحسـن علم‌الهدی، کارشناس سینما، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که میزان استقبالی که از فیلم‌ها در گونه‌های متفاوت در سال جاری صورت گرفته است را چطور ارزیابی می‌کند، می‌گوید: «سینما یک رو ندارد، سینمای هنری و تجاری دو بالی هستند که راز ماندگاری سینما را به وجود می‌آورند. درحال‌حاضر فیلم «سلام بمبئی» اکران شده است که گروه خاصی از مخاطبان را جذب سینماها می‌کند، فیلم «فروشنده» متعلق به جریان دیگری از سینماسـت که مخاطبان خاص خودش را دارد و نمی‌توان گفت همان تعدادی که فیلم «فروشنده» را دیده‌اند، به دیدن «سلام بمبئی» می‌روند. به‌هرحال سینما تعدادی مخاطب ثابت

در افتتاحیه جشنواره «سینما- حقیقت»

منوچهر طبیب کیک ۱۰سالگی را برید

سینما دو نگاه به ایران دارند؛ اول اینکه ایران را کشوری با فرهنگ چندهزارساله می‌دانند و می‌خواهند بدانند که در ایران چه اتفاق‌هایی می‌افتد و دوم اینکه می‌خواهند بدانند ما در این کشور چه می‌کنیم. سینمای مستند ایران شرایطی را فراهم می‌کند که مردم خارج از مرزهای ایران با زندگی ما روبه‌رو شوند و بدانند که نقاط منفی و مثبت ما چه چیزی است.

این مستندساز توضیح داد: سینمای مستند ما برگزار می‌کند و این مراسم فرید فرخنده‌کش، مدیرعامل انجمن سینمای جوان، منوچهر طبیب، از پیش‌کسوتان سینمای مستند و شهنام صفاجو، مدیر اجرایی جشنواره، حاضر بودند. خاطرات منوچهر طبیب مربوط به ۵۰ سال عقب‌تر بود و گفت: من و چند نفر دیگر در آن سال‌ها با سختی‌ها و گرفتاری‌های بسیار به خارج از ایران سفر کردیم و سینما را یاد گرفتیم. برخی‌ها معتقد بودند که باید حرفه دیگری را یاد بگیریم، چراکه آن زمان سینمای مستند معنایی نداشت، اما مرکزی که امروز باعث ایجاد چنین فضایی شده است برای من مثل رؤیا می‌ماند. درواقع می‌توان گفت سینمای مستند راهی باز کرد تا ما بتوانیم فرهنگ خود را به دنیا نشان دهیم. درواقع این سینما با زبان بین‌المللی توانست تصویر درستی از ما به جهان نشان دهد. او با اظهار خرسندی از اینکه در جشنواره‌های خارجی از آثار مستند ایرانی استقبال زیادی می‌شود، گفت: بسیاری دوست دارند بدانند سینمای مستند ایران چه چیزی دارد. درواقع مخاطبان بین‌المللی



علیرضا شرف

هنر



علیرضا شرف

«سلام بمبئی» خداحافظی با سینمای ایران است!؟

مسافری از هند

دارد. او ادامه می‌دهد: «از طرفی معتقدم الان کمی برای ارزیابی اینکه به چه دلیل «سلام بمبئی» در این چند روز فروش خوبی داشته زود است و باید دید آیا این یک تب تند زودگذر است یا در هفته‌های آتی نیز این استقبال ادامه خواهد داشت. به‌هرحال باید به این نکته نیز توجه داشت که تنوع در فیلم و ژانرها در سینمای دنیا امری عادی است و هر ژانر مخاطبان خاص خودش را دارد و جذابیت سینما نیز در این تنوع سلايق و تفاوت‌هاست. سینمای ایران نیز دارای ژانرهای متفاوتی است». علم‌الهدی در بخش دیگری از صحبت‌هایش دلیل پر فروش شدن «فروشنده» را نام و برند فرهادی عنوان می‌کند: «اصغر فرهادی به‌واسطه اختراعات سینمایی و نگاهش به سینما مخاطبان زیادی دارد و تا زمانی که جذابیت‌های سینمایش برای مخاطب ادامه داشته باشد و هر فیلم او با دیگری متفاوت باشد، قطعا مخاطبانش را خواهد داشت. از طرفی «سلام بمبئی» نیز قواعد سینمای سرگرمی را رعایت کرده و برای این بخش ساخته شده است.»

گزارش نمایشگاه آکو‌گرین و عدنان کریم

رقص رنگ‌ها در پایتخت فرهنگی کردستان

شرق: سلیمانیه به‌عنوان پایتخت فرهنگی کردستان عراق همواره میزبان هنرمندان و اهالی فرهنگ و روشنفکران بوده است. در این شهر، همیشه می‌توان شاهد برگزاری نمایشگاه‌های هنری و فرهنگی، جشنواره‌ها و فستیوال‌های متفاوت، مراسم رونمایی کنسرت و اجرای تئاتر و انواع مناسبات فرهنگی بود، علاوه بر اینکه این شهر به‌تنهایی توانسته تعداد زیادی هنرمند، روشنفکر و نویسنده پرورش دهد. دو نفر از این هنرمندان که در سطح کردستان آثاری چشمگیر تولید کرده‌اند، آکو‌گرین و عدنان کریم هستند. عدنان کریم که بیشتر در کردستان او را به عنوان خواننده‌ای طراز اول می‌شناسند، در دانشگاه نقاشی خوانده و اکنون نیز به تدریس آن مشغول است. آکو‌گرین هم که دانش‌آموخته نقاشی است، هم‌زمان روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای طراز اول است. ام‌نه‌سورکه بعد از قیام مردمی سال ۱۹۹۱ تبدیل به موزه شد و در قسمت پارکینگ آن، گالری باشکوهی با استانداردهای روز جهانی برای ارائه آثار هنرمندان برپا شده است.

در نمایشگاه مشترک آکو‌گرین و عدنان کریم، بیش از ۸۰ تابلو آبرنگ این دو هنرمند به نمایش درآمده‌اند. این نمایشگاه ۴ آذر با حضور هیرو ابراهیم احمد، بنایو اول سابق عراق و از رهبران اتحادیه میهنی کردستان و جمع کثیری از اهالی هنر و فرهنگ سلیمانیه افتتاح شد و ۱۰ روز ادامه داشت.

افتاحیه این نمایشگاه با استقبال خوبی مواجه شد و در رسانه‌های اقلیم کردستان و عراق نیز بازتاب زیادی داشت. عدنان کریم در گفت‌وگویی به «شرق»

راه‌های رسیدن به صنعت سینما در ایران
اسا فرهاد توحیدی از فیلم‌نامه‌نویسان سینمای ایران در پاسخ به پرسش «شرق» مبنی بر اینکه از نظر او چه مواردی «سلام بمبئی» را به فیلمی پرفروش در روزهای ابتدای اکرانش تبدیل کرده، می‌گوید: «تصور می‌کردم «سلام بمبئی» فیلم پرفروشی شود. چند مؤلفه از جمله حضور محمدرضا گلزار در فیلم که مخاطبان خودش را دارد، نخستین حضور سینمایی بنیامین بهادری و مواردی این چنین، گروهی از مخاطبان را جذب می‌کند، علاوه بر اینکه بخشی از مخاطبان بالقوه سینما در ایران همچنان دلبسته سینمای هند هستند. شاید این اتفاق در تهران خیلی احساس نشود، اما از قول یکی از دوستانم این را می‌گویم که در یکی از روستاهای استان کرمان در یک قهوه‌خانه دیده بود که گروهی از جوانان فیلم هندی تماشا می‌کنند، آن هم بدون زیرنویس و دوبله، و وقتی از آنها می‌پرسد مگر متوجه می‌شوید که از دیدنش این فیلم پرورش می‌شده، نمی‌بینم. سینمای ایران که متوجه می‌شوند. بر همین اساس اکران فیلم «سلام بمبئی» بخشی از مخاطبان معمولی سینمای ایران را با خود همراه می‌کند، مخاطبانی که شاید «فروشنده» و «ابدوبک روز» را هم ببینند.»

او ادامه می‌دهد: «من اشکالی در اینکه چرا «سلام بمبئی» فیلم پرفروشی شده، نمی‌بینم. سینمای ایران باید برای همه سلايق خوراک لازم را داشته باشد و در غیاب کمپانی‌های بزرگی که معمولا در دنیا برای تولیداتشان برنامه‌ریزی بلندمدت انجام می‌دهند و به نوعی امکان فروش بهتر آثارشان را فراهم می‌کنند، در ایران فروش بالای برخی از فیلم‌های سینمایی در چرخه اقتصادی سینما اتفاق خوبی است. به نظر من مسائلی از این دست و فروش بالای فیلم‌ها نباید ما را غافلگیر کند، بلکه باید برنامه‌ریزی برای آنها داشته باشیم و اینها مسائلی است که از امور معمولی سینما محسوب می‌شود اما برای ما گاهی چالش‌برانگیز است.»

توحیدی در بخش دیگری از صحبت‌هایش اضافه می‌کند: «از ابتدای اکران «سلام بمبئی» نیز می‌بینیم تبلیغات این فیلم به نوعی با مشارکت عوامل فیلم صورت می‌گیرد و ما در ایران ابزارهای لازم برای تبلیغات فیلم هم نداریم، هنوز فیلم را ندیدم، فارغ از اینکه کیفیت فیلم به چه صورتی است، اما استقبال از برخی فیلم‌ها در سینمای ایران و پرفروش‌شدن آنها اتفاقاتی است که اگر درست برنامه‌ریزی شود و قدم‌های درست‌تری برای برنامه‌ریزی در ارتباط با آنها برداشته شود، ما را به سمت صنعت سینما هدایت می‌کند. با اینکه بیش از صد سال است که سینما به ایران آمده، اما سینمای ما هنوز صنعتی نیست.»

گزارش نمایشگاه آکو‌گرین و عدنان کریم

گفت: در این نمایشگاه بیش از ۳۵ تابلو آبرنگ از من به نمایش درآمده که در اکثر آنها مناطقی از کردستان را به تصویر کشیده‌ام و تعدادی نیز مربوط به مناظری از ارومیه است. در این آثار سعی کرده‌ام با استفاده از تکنیک آبرنگ، زیبایی‌های طبیعت را به تصویر بکشم و لایه‌های جدیدی از طبیعت کردستان را به علاقه‌مندان نشان دهم، نقاشی از کودکی دغدغه من بوده و احساس کردم در این میانه جنگ و خشونت که خاورمیانه را فراگرفته، با برپایی این نمایشگاه، گوشه‌ای از زیبایی‌های سرزمینم را به مردم نشان دهم و تأکید کنم که زیبایی و شادی باید همواره در زندگی مردم جاری باشد.

آکو‌گرین هم در گفت‌وگویی گفت: من و عدنان بیش از ۳۵ سال سابقه دوستی داریم، بعد از مدت‌ها تصمیم به برپایی این نمایشگاه مشترک گرفتیم و در این نمایشگاه سعی کرده‌ایم با نگاهی متفاوت و هنری به طبیعت کردستان، زیبایی‌های این منطقه را در قالب هنر نقاشی و با تکنیک آبرنگ به تصویر بکشیم. هنر همواره می‌تواند صلح و همزیستی میان مردم را افزایش دهد و ازاین‌رو قرار شده بعد از سلیمانیه این نمایشگاه را در اربیل برگزار کنیم و در نظر داریم در سال آینده نیز نمایشگاهی مشترک با آثار هنرمندان کرد در تهران برگزار کنیم. ام‌نه‌سورکه که زمانی مخوف‌ترین مکان در کردستان بوده، اکنون موزه و گالری هنری است و با انتخاب این مکان برای برگزاری نمایشگاه خود، این پیام را منتقل کرده‌ایم که تنها صلح و هنر و دوستی میان ملت‌هاست که می‌تواند پابرجا و ماندگار باشد.

سال گذشته هنر و ادب شوالیه فرانسه را دریافت کرد و آثاری درباره نقد هنری و سینمایی، پژوهش درباره تاریخ هنر و سفرنامه دارد. در این نشست درباره خودش، هنر، نقاشی و علایقش درباره کتاب، داستان و شعر سخن خواهد گفت. علامه‌فدائی برای شرکت در این مراسم می‌توانند از ساعت ۱۷ روز دوشنبه، ۱۵ آذر به فروشگاه مرکزی شهر کتاب، به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از تقاطع مطهری، نش کوجه کلاته مراجعه کنند.

کلاغ در چهارسو

● شرق: نمایش «کلاغ»، نوشته دیوید هرئو و به کارگردانی سمانه زندی‌نژاد، از هفته پایانی آذر در تالار چهارسو تئاتر شهر اجرا می‌شود. به گزارش روابطعمومی نمایش، سمانه زندی‌نژاد بعد از سه سال با نمایش «کلاغ»، از هفته پایانی آذر به مجموعه تئاتر شهر می‌آید. این نمایش نوشته دیوید هرئو و با ترجمه وحید رهبانی است که بعد از پایان اجرای نمایش «طیانچه‌خانوم»، در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت. لازم به ذکر است زندی‌نژاد پیش از این نمایش‌های «به مراسم مرگ داداش خوش آمدید»، «عروسک‌های سکوت»، «نسبیت خاص» و… را شده است.



علیرضا شرف

● شرق: محمد زرین‌دست در میان دوستان و همکارانش در خانه سینما تسلیع و در قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(اس) صبح یکشنبه ۱۴ آذر خانسپاری شد. در این مراسم، علیرضا زرین‌دست، فیلم‌بردار و برادر مرحوم محمد زرین‌دست، در آغاز با برزیان‌راندن جمله «برادر بلند شو»، سخنانش را آغاز کرد. او دراین‌باره خاطره‌ای را بازگو کرد که محمد زرین‌دست همیشه در فیلم‌هایی که با برادرش می‌ساخت، به او می‌گفت: دوربین، کات، علی خوب بود؟ این علی خوب بود، برای علیرضا زرین‌دست پدرم در اواخر عمر بود و تازه متوجه شد او فیلم‌بردار بود و این جمله مفاهیم بالاتری دارد. از نظر او، این جمله یعنی برادر مواظب من باش، یعنی برادر مواظبت هستم. او زندگی خاص و عجیبی داشت. وقتی برای تحصیل به آمریکا رفت، پدرم فکر کرد پزشکی می‌خواند وقتی به ایران برگشت پدرم در اواخر عمر بود و تازه متوجه شد او در آمریکا سینما خوانده است اما به‌هرحال، همواره به او افتخار می‌کرد. او آغازگر راهی در سینمای ایران بود که با فیلم هاشم‌خان کلید خورد. در آن فیلم من یک نقش خنثی را با حمایت برادرم داشتم. حمایت‌های او راهی برایم باز کرد که امروز در این جایگاه در خدمت شما باشم. آرزوی روزهایی شاد پیش‌روی سینمای ایران دارم. محمدعلی سجادی، نایب‌رئیس کانون کارگردانان خانه سینما، تأکید کرد محمد زرین‌دست، همیشه حضور داشت و حضورش با علیرضا زرین‌دست، فیلم‌بردار سینما و برادر این کارگردان فقید، ادامه دارد. این فیلم‌ساز همیشه قد برافراشته بود و تا تازه لحظه عمر هم سینما را دوست داشت. محمد زرین‌دست کارگردانی تحصیل‌کرده و کتاب‌خواننده بود که به جوانان توصیه می‌کرد عجله نکنند و کتاب بخوانند تا بدانند چگونه مستمر بمانند. جهانگیر الماسی، بازیگر یک‌بار از زرین‌دست پرسید: بعد از این همه گردش در جهان چه چیزی کشف کردی و زندگی را چگونه می‌بینی؟ او با اشاره به جمله‌ای از صمد بهرنگی، گفت: مرگ خیلی آسان می‌تواند به سراغ من بیاید، اما من تا می‌توانم زندگی می‌کنم، نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبه‌رو شوم که می‌شوم، مهم نیست. مهم این است که زندگی با مرگ من چه اثری در زندگی و مرگ دیگران داشته باشد. علیرضا شجاع‌نوری، تهیه‌کننده و بازیگر سینما، به سال ۶۵ اشاره کرد که برای اولین‌بار در ایتالیا و در بازار فیلم با یکدیگر آشنا شدند که در آنجا محمد زرین‌دست بسیار راجع به سینمای ایران پیگیر بود. همایون اسعدیان، لاله اسکندری، ضیاءالدین دری، محمد و مصطفی شایسته، محمد بزرگ‌نیا، رضا ناجی، علیرضا تابش، فرشته ظانپور، محمد باشه‌آهنگر، ابوالحسن داوودی و بیتا منصوری، از جمله هنرمندان حاضر در مراسم بودند.

یک فنجان فرهنگ «با آیدین آغداشلو»



● شرق: آیدین آغداشلو، میهمان شهر کتاب مرکزی می‌شود. این نقاش و گرافیکست، دوشنبه، ۱۵ آذر در سومین نشست از نشست‌های «یک فنجان فرهنگ» به شهر کتاب مرکزی می‌آید و با علاقه‌مندان دیدار و گفت‌وگو می‌کند. او که

سال گذشته هنر و ادب شوالیه فرانسه را دریافت کرد و آثاری درباره نقد هنری و سینمایی، پژوهش درباره تاریخ هنر و سفرنامه دارد. در این نشست درباره خودش، هنر، نقاشی و علایقش درباره کتاب، داستان و شعر سخن خواهد گفت. علامه‌فدائی برای شرکت در این مراسم می‌توانند از ساعت ۱۷ روز دوشنبه، ۱۵ آذر به فروشگاه مرکزی شهر کتاب، به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از تقاطع مطهری، نش کوجه کلاته مراجعه کنند.

علیرضا شرف